

جوانی جمعیت رو به زوال

آمارهای ثبت احوال از کاهش ۷ درصدی زادوولدها

در خراسان رضوی و سقوط آن به کمتر از ۱۰۰هزار نوزاد در سال حکایت دارد



سال‌های پیش، زمانی که شعارهایی مثل «فرزند کمتر، زندگی بهتر» همه‌جا دیده و شنیده می‌شد، کمتر کسی تصور می‌کرد که تاده‌ها بعد تأثیر آن شعارها و تبلیغ‌ها، آن‌چنان باقی بماند که مسئولان حالا برازنگرانی کنند و هشدار دهند و کاسه «چه کنم، چه کنم»، دست بگیرند. این شعار که حوالی دهه ۷۰ برای کنترل جمعیت مطرح شده بود، چنان ریشه دوانده که حالا با وجود تلاش‌های مسئولان و سیاست‌گذاران برای افزایش زادوولد، جمعیت همچنان آب می‌رود و سقوطی تاریخی را تجربه می‌کند. بررسی داده‌های تازه منتشرشده ثبت‌احوال کشور نشان می‌دهد که در یازده‌ماه نخست سال ۱۴۰۳، فقط ۸۶ هزار و ۵۸۵ نوزاد در خراسان رضوی متولد شده‌اند؛ رقمی که نشان‌دهنده کاهش حدود ۷٫۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۲ است. در یازده‌ماهه پارسال، میانگین تولد ماهانه در استان به ۷ هزار و ۸۸۰ نوزاد رسید و این در حالی است که این میانگین در سال ۱۴۰۲ حدود ۸ هزار و ۴۸۰ نوزاد در ماه بوده است.

سقوط بحرانی و تاریخی

آذرماه ۱۴۰۳ بود که علیرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از سقوط تاریخی فرزندآوری در کشور خبر داده و آن را «نگران‌کننده» خوانده و اعلام کرده بود که تعداد ولادت‌ها در سال ۱۴۰۳ به کمتر از یک میلیون نوزاد خواهد رسید؛ آمار جدید ثبت احوال از ولادت‌های کشور در یازده‌ماهه ۱۴۰۳ هم مهر تأییدی است بر همان پیش‌بینی وزیر بهداشت؛ آماری که بر اساس آن، ۹۰۱ هزار و ۹۷۲ نوزاد در کشور متولد شده است و اگر برای اسفند ماه هم همان میانگین ماهانه ۸۱ هزار و ۹۹۷ تولد را در نظر بگیریم، جمعیت نوزادان متولدشده در سال ۱۴۰۳ در نهایت احتمالاً به ۹۸۳ هزار و ۹۷۰ نفر خواهد رسید.

بررسی روند زاد و ولدها در خراسان رضوی در یک دهه گذشته هم حکایت از همان سقوط تاریخی دارد که وزیر بهداشت به آن اشاره کرده بود. نگاهی به آمار رسمی ولادت‌های ثبت شده در خراسان رضوی در یک دهه گذشته، حکایت از آن دارد که در این بازه زمانی میزان ولادت‌ها کاهش یافته است. اگر سال ۱۳۹۳ را به عنوان سال پایه این مقایسه در نظر بگیریم، می‌بینیم که در آن سال، ۱۴۹ هزار و ۲۳۵ نوزاد در خراسان رضوی متولد شده‌اند؛ رقمی که در یازده‌ماهه پارسال به ۸۶ هزار و ۵۸۵ نوزاد کاهش یافته است. حالا اگر میانگین ولادت ماهانه استان را در سال گذشته ۷ هزار و ۸۸۰ نوزاد حساب و به رقم ولادت‌های پارسال اضافه کنیم، حاصلش می‌شود اینکه احتمالاً پارسال در مجموع چشم ۹۴ هزار و ۴۶۵ نوزاد در استان ما به دنیا باز شده است.

اما نکته جالب توجه در بررسی آمار یک دهه گذشته، سیر سینوسی آن در نیمه نخست و سپس روند همواره نزولی آن است؛ ساده‌ترش را بخواهیم بگوییم این‌طور است: ولادت‌ها در استان در سال ۱۳۹۴ به بیشترین حد خود، یعنی ۱۵۴ هزار و ۸۲۴ ولادت رسیده است؛ اما در نیمه دوم این بازه زمانی، روند زاد و ولد به‌طور محسوسی کاهش یافته و در سال ۱۴۰۲ احتمالاً حتی به کمتر از ۱۰۰ هزار نوزاد رسیده است. این تغییرات نشان دهنده مسیر نزولی درخورتوجهی است که می‌تواند پیامدهای مهمی برای ساختار جمعیتی استان داشته باشد.

ظفرقندی همان آذرماه در بخشی از صحبت‌هایش گفته بود «در بحث جوانی جمعیت، نخست باید شیب را اصلاح کرد تا شیب نزولی متوقف و سپس صعودی شود. اگر این شیب اصلاح شد، آن‌گاه است که می‌توان امیدوار بود»؛ حالا اما آمارهای رسمی حکایت از آن دارد که با وجود همه سیاست‌های تشویقی که ذیل قانون جوانی جمعیت کج دار و مریز در حال اجراست، این شیب نزولی هنوز حتی متوقف هم نشده است. این شیب نشان دهنده آن است که با سرعت در حال سقوط در گدشته از هر چهار ازدواج و کمی بعدتر، از هر سه ازدواج یکی به جدایی ختم می‌شد، حالا این رقم تقریباً ۵۰-۱۵ است و به عبارتی از هر دو وصلت، یکی به طلاق می‌انجامد و بنیان خانواده‌ها سست‌تر شده است. در یازده‌ماهه پارسال، ۴۰ هزار و ۳۸۲ ازدواج در خراسان رضوی ثبت شده، اما در مقابل، ۱۸ هزار و ۷۵۰ طلاق هم به وقوع پیوسته است.

نکته شایان توجه دیگر در این زمینه، میانگین سن پدر و مادر در تولد نخستین فرزندشان است؛ سنی که پارسال برای پدرها ۳۲٫۳ و برای مادرها ۲۷٫۵ بوده است.

سطح جنین‌رهم شاید بتوان به عنوان سوی دیگر این بحران جمعیتی در نظر گرفت. آمارهای غیررسمی کشور از سقط ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار جنین در سال حکایت دارد و گویا جرم‌انگاری آن هم، دیربی نبود ساز و کارهای دقیق و درست نظارتی، چندان کارساز نبوده است؛ زیرا باکمی جست و جو می‌بینید که دسترسی به داروهای سقط در فضای مجازی و حقیقی چندان دشوار نیست.



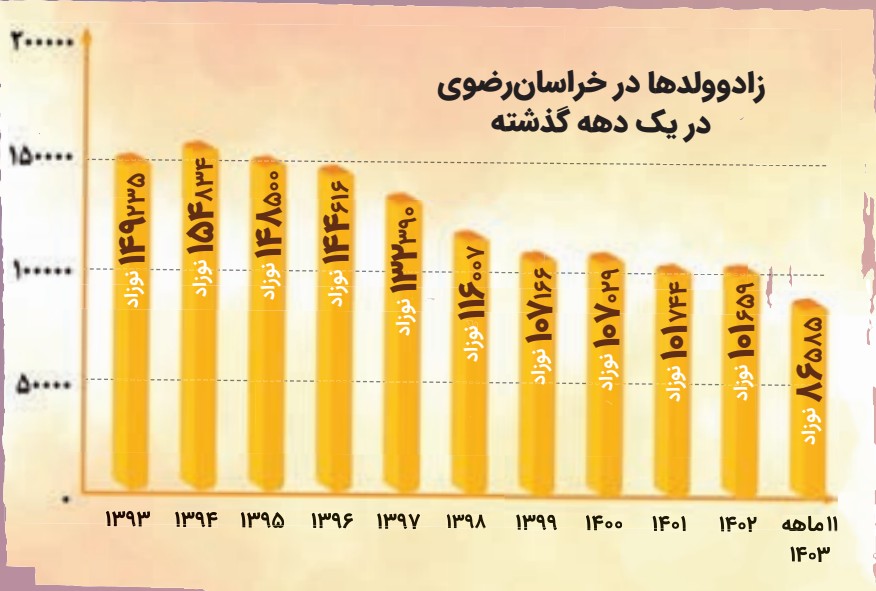
تبعات عیان

سیر نزولی فرزندآوری، تبعات و پیامدهایی دارد که آن قدر مسئولان از آن گفته‌اند و رسانه‌ها از آن نوشته‌اند که دیگر بر کسی پوشیده نیست. این بحران می‌تواند پیامدهای عمیقی بر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه داشته باشد؛ تا آنجاکه کارشناسان آن را نقطه بدون بازگشت می‌دانند. با افت جمعیت جوان، نیروی کار آینده کاهش می‌یابد و فشار بیشتری بر نسل‌های بعدی برای تأمین هزینه‌های بازنشستگی و خدمات اجتماعی وارد می‌شود. همچنین، کاهش زاد و ولد منجر به پیر شدن جمعیت می‌شود که رشد اقتصادی را از آنچه اکنون هست، کندتر می‌کند و هزینه‌های درمانی و رفاهی‌را هم افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، در بلندمدت، افت فرزندآوری می‌تواند به کاهش پویایی فرهنگی و اجتماعی منجر شود؛ زیرا جوامع جوان معمولاً نوآورتر و فعال‌تر هستند. اگر این روند ادامه یابد و سیاست‌های مؤثری برای معکوس کردن آن اجرا نشود، جامعه ممکن است با چالش‌های بزرگی در زمینه توسعه پایدار و حفظ تعادل جمعیتی مواجه شود.

سیاست‌گذاری‌های بی‌اثر؟

کاهش فرزندآوری در سال گذشته بخشی از یک روند نزولی گسترده در سال‌های اخیر است که بسیاری از کارشناسان آن را پدیده‌ای ناشی از عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. هزینه‌های بالای زندگی، تغییر نگرش‌های جامعه نسبت به فرزندآوری و نبود حمایت کافی از خانواده‌ها در حوزه رفاه اجتماعی، از جمله دلایل مطرح شده در این زمینه هستند. «اگر قبول داریم که کاهش جمعیت یک بحران ملی است، باید بدانیم که این مسئله نیازمند عزم ملی است. رویکرد ما در افزایش جمعیت باید علمی باشد؛ زیرا با شعار و اقداماتی که در سطح جهان تجربه نشده‌اند، به نتیجه نخواهیم رسید. باید رویکردهای فرهنگی و اقتصادی د دستگاه‌ها تغییر کند و همه مسئولان به وظایف خود عمل کنند تا موج فرهنگی برای جوانی جمعیت ایجاد شود»؛ این گفته‌های وزیر بهداشت را شاید بتوان مهر تأییدی بر ناکامی سیاست‌های در حال اجرا در زمینه جوانی جمعیت دانست.

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در مهرماه سال ۱۴۰۰، در کمیسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید؛ قانونی با ۷۳ ماده و ۸۱ تبصره که وظایفی را به دستگاه‌های مختلف محول کرده است تا شاید با اجرای آن‌ها، روند نزولی رشد جمعیت تغییر کند. این قانون با هدف تشویق زوج‌ها به فرزندآوری تدوین شده و برای خانواده‌های دارای فرزند، تسهیلاتی در نظر گرفته است، از مخصی زایمان و واگذاری زمین به فرزندان سوم به بعد گرفته تا تخفیف در هزینه‌های ساخت و انشعابات، تخصیص خودرو، اعطای وام فرزندآوری، ودیعه مسکن و حتی اختصاص سهام به نوزادان. شاید این مشوق‌ها برای برخی جذاب به نظر برسد، اما واقعیت این است که با بررسی آمارهای رسمی به این نتیجه می‌رسیم که این اقدامات، تأثیر ملموسی دست‌کم در توقف سیر نزولی زاد و ولد نداشته است که اگر داشت، صدای زنگ خطر‌ها قطع می‌شد و آمار‌ها کمی دل‌خوشمان می‌کرد.



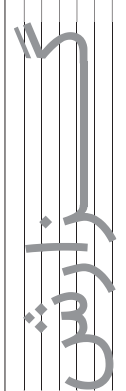
لزوم حمایت‌های واقعی و اثرگذار

برخی کارشناسان معتقدند که سیاست‌های حمایتی در زمینه فرزندآوری باید با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی هماهنگ باشد؛ زیرا خانواده‌ها علاوه بر دریافت تسهیلات مالی، بیش از هر چیز به احساس امنیت اقتصادی نیاز دارند. ثبات مالی و کاهش هزینه‌های زندگی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند خانواده‌ها را به داشتن فرزند ترغیب کند. در این راستا، ارائه حمایت‌های عملی همچون افزایش خدمات رفاهی و آموزشی، گسترش امکانات درمانی برای زوج‌های نابارور، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و اصلاح نگرش‌های اجتماعی از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت جمعیتی داشته باشد.

این اقدامات نه تنها به رشد جمعیت کمک می‌کند، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها نیز منجر می‌شود. به همین دلیل، مسئولان باید با یک نگاه جامع، برنامه‌هایی تدوین کنند که در کنار مشوق‌های مالی، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز تقویت کند. اگر این راهکارها به‌طور مؤثر و به‌موقع اجرا شوند، می‌توان امیدوار بود که روند نزولی جمعیت متوقف شود و جامعه باطمینان بیشتری به آینده خود بنگرد.



شاهرانews.ir
۱۳ آذرماه ۱۴۰۳
شماره ۴۴۴



عکس: مهدیه غفرزادان اشورا



به احترام بزرگ‌ترها

کمی به اطراف خود با دقت نگاه کنید. نسلی که با یک انفجار جمعیتی متولد شده است، حالا با همین جمعیت رو به سمت پیری و کهن سالی است. نسلی که جوانی سختی داشت، حالا قرار است وارد میان‌سالی و بعد کهن‌سالی شود؛ شاید با هم همان قدر سخت. اگر برای فردای کشور که با جامعه بزرگ سالمند رو به رو هستیم، تدبیر و برنامه‌ریزی لازم صورت نگیرد، با چالش‌بزرگی مواجه خواهیم شد. چندی قبل بانک جهانی در گزارشی ضمن هشدار درباره سرعت زیاد پیرشدن جمعیت در ایران اعلام کرد: ایران، هند، سنگاپور و تایلند با حفظ روند فعلی، در آینده نزدیک با پیری شدید جمعیتی مواجه خواهند شد. براساس پیش‌بینی بانک جهانی، نمره ایران در شاخص وابستگی سال خردگدگی تا سال ۲۰۵۰ پنج برابر خواهد شد. این بدان معناست که نسبت جمعیت غیرفعال ایران به جمعیت فعال در ۳۸ سال آینده پنج برابر می‌شود. زمانی که نمره کشوری در این شاخص خیلی زیاد باشد، یعنی اینکه جمعیت فعال کشور برای تأمین نیازهای افراد سال‌خورده باید با بازبازی راحمل کند.

بار تکفل

در بستر تغییرات جمعیتی، مرحله‌ای از تحولات در کشور از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است که جمعیت‌شناسان، آن را «پنجره جمعیتی» و «هذیه جمعیتی» می‌نامند. این وضعیت که از آن با نام «دوران طلایی جمعیت» نیز نام برده می‌شود، تا سال ۱۴۳۰ طول می‌کشد. در این دوران نسبت جمعیت در سنین فعالیت، افزایش می‌یابد و به حداکثر خود یعنی بیش از ۷۰ درصد می‌رسد. مکانیسم‌های ترکیبی و رفتاری پنجره جمعیتی نظیر افزایش عرضه نیروی کار، افزایش مشارکت زنان، کاهش نسبت‌های وابستگی (بار تکفل)، تعامل تغییرات ساختار سنی جمعیت با چرخه زندگی اقتصادی تولید و مصرف، افزایش قدرت پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری، بهبود و توسعه سرمایه انسانی، افزایش کیفیت جمعیت و...، فرصت طلایی و ظرفیت‌های زیادی برای ارتگذاری مثبت بر رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند؛ البته این وضعیت به‌طورخودکار عمل نمی‌کند و بهره‌برداری از آن، مستلزم بستر مناسب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

تسهیل خدمات و حفظ کرامت سالمندان

در هر کشوری جمعیت جوان، خلاق، سالم، با نشاط و تحصیل‌کرده، عامل اساسی توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود؛ اما سال‌خورده‌گان و بازنشستگان سایه سر و چراغ معرفت و برکت زندگی هستند. باید برای آن‌ها فکری کرد و برای مردمان کشوری که جمعیتی عظیم از آن در این مسیر قرار دارند، در توسعه زیرساخت‌ها و ارکان حمایتی، اندیشه‌ای راهبردی داشت. این جمله‌بدان معناست که برای حضور سالمندان در جامعه و شهر، شرایط باید به‌گونه‌ای مهیا شود تا کرامت آن‌ها حفظ و امکان دسترسی آنان به همه خدمات تسهیل شود. عمده این خدمات در حوزه‌های سلامت و درمان، ترافیک و شهرسازی، بیمه و حمایت اجتماعی، اشتغال محدود و متناسب، دسترسی آسان به نیازهای زندگی جاری و... می‌شود. سالمندان تجارب ارزشمندی دارند و باید با اخذ راهکار درست و اصولی و برنامه‌های نشاط‌آور، علاوه بر استفاده بهینه از ظرفیت آنان، از خودمدگی این قشر نیز جلوگیری کرد.

بحران سالمندی

بحران سالمندی به معنای انباشت مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی، روانی و جمعیتی حول سالمندی است. با توجه به اینکه بر اساس پژوهش‌های اجتماعی، بخش درخورتوجهی از ایجاد یا تشدید بحران سالمندی ناشی از از دست رفتن حمایتگرهای عاطفی و اجتماعی سالمند از جانب خانواده (مواردی همچون مسائل مربوط به مراقبین، محدودشدن شبکه ارتباطی سالمند، بی‌فرزندگی و کم‌فرزندگی، رواج سالمندآزاری، دلسردی از وضعیت آتی حمایت‌های خانوادگی، کاهش فرصت‌درگیری سالمند در روابط اجتماعی است، توسعه فرهنگی و اصلاح رفتار در این عرصه اهمیت فراوانی دارد. شاید مهم‌ترین مسئله موردنیاز در این امر، آموزش خانواده‌ها تا حد امکان نسبت به چگونگی مواجهه با این قضیه است. خانواده‌ها باید بدانند که با بحث سالمندی چطور برخورد کرده یا به چه نحو از سالمند خود صبورانه و مهر‌بانانه نگهداری کنند. در هر صورت سالمندان مشکلات زیادی دارند که مهم‌ترین آن چالش‌های سلامتی، روحی و جسمی است.

مدل‌سازی بومی برای نگهداری از سالمندان تنها

در رأس بحران‌های سالمندی درد و دهه آینده، بحث «سالمندان تنها» است که در خانواده‌هایی با بعد خانوار کم زندگی می‌کنند. افزایش آمار طلاق به عنوان آسیب اجتماعی شایع در دوران میان‌سالی و همچنین پدیده تک‌فرزندگی در دوران میان‌سالی باعث می‌شود که مادر بیست سال آینده سالمندان تنهای ناشی از تجرد قطعی و آسیب اجتماعی طلاق و فوت همسر را داشته باشیم و لازم است بحث بیمه مراقبت طولانی‌مدت از سالمندان و مدل‌سازی بومی برای نگهداری از سالمندان تنها در درون اجتماع مبتنی بر خدمات داوطلبانه و سرویس‌های در منزل برای سالمندان تنها فراهم شود. همچنین سمن‌های سالمندی را در محلات به وجود بیاوریم تا بتوانیم با این پدیده بحرانی مقابله کنیم.

چهره سالمندی در کشور و تکالیف پیش‌رو

چهره سالمندی که از حدود ۱۰ سال آینده در کشور مشاهده خواهیم کرد و روزهایی که متولدین دهه ۵۰ به شصت‌سالگی برسند، شباهتی با چهره سالمندی که امروز مشاهده می‌کنیم، ندارد و بحث‌هایی چون امید به زندگی، مسائل اقتصادی سالمندان، نبود مراک رفاهی مخصوص سالمندان، بیمه سالمندی، تأمین مسکن، خدمات دهی به سالمندان، بهداشت و درمان این اقشار و...، موضوعات مهمی است که برای تک‌تک آن‌ها نیاز به طرح و برنامه و زیرساخت است. بحران سالمندی پیش‌روی کشور، احتیاج به عزم ملی و حاکمیتی دارد. نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و بگوییم «چو فردا شود، فکر فردا کنیم». از هم‌اکنون این مهم نیاز به تدبیر و چاره‌اندیشی و تأمین زیرساخت‌های اساسی دارد؛ در غیر این صورت کشور با بحرانی جدی و آسیب‌زا مواجه خواهد شد. لذا دولت باید در برنامه هفتم توسعه با همکاری مجلس شورای اسلامی به بازاریابی ساختاری و سیاست‌گذاری در عرصه سالمندی اقدام کند.



بودجه ۵/۹میلیاردتومانی برای پژوهش‌های جوانی جمعیت

ایرنا| معاون بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وزارت بهداشت با اشاره به تخصیص بودجه تحقیقاتی برای دانشگاه‌های علوم پزشکی گفت: ۵میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۲ برای مسائل پژوهشی در حوزه جوانی جمعیت، بودجه تخصیص داده شده است.

به‌گفته علیرضا رئیس، بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، میزان رشد جمعیت کشور در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۲ منفی ۷۰٫۳ درصد بوده؛ به طوری که تعداد مولایید از یک میلیون و ۵۷۷ هزار نفر در سال ۱۴۰۲، به ۹۸۰ هزار نفر در سال ۱۴۰۳ رسیده است. وی افزود: اگرچه بارشده حدود ۷ درصدی در حوزه رشد جمعیت مواجه هستیم، ولی اگر اقدامات در حوزه جوانی جمعیت صورت نمی‌گرفت، رشد منفی ۲۰ تا ۲۵ درصدی را تجربه می‌کردیم. معاون وزیر بهداشت با بیان اینکه سال گذشته، میزان مرگ و میر استان گیلان نسبت به تعداد تولد آن بیشتر بود و این موضوع برای نخستین بار اتفاق افتاد، ادامه داد: همچنین بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال کشور، سال گذشته حدود ۳۲ هزار ثبت ازدواج افراد بیش از پنجاه سال داشتیم.